



چه زیبا درس می‌داد

محمد جاوید صبغیان | دکتر یوسفی به معنی معترف، شاعر نبود، یعنی شاعری که فقط شاعری کند و دیوان یا دیوان‌های خود داشته باشد و این آثار چاپ شده باشد، اما به معنی دیگر، دکتر یوسفی شاعر بود و خیلی خوب شعر می‌گفت و شعر ایشان از نمونه‌های بارز شعر سهل و ممتنع روزگار ماست. چیزی که سده‌ی را از دیگر شاعران بزرگ متمایز می‌کند نیز همین نکته است که شعرهای سهل و ممتنع بود، خیلی از هنرهای شاعرانه در شعر مولانا یا حافظ یا عطار نیشابوری و دیگر شاعران بزرگ موج می‌زند، اما سده‌ی ویرگی‌ای دارد که این‌ها ندارند؛ یعنی شعرش به‌ظاهر آسان می‌نماید اما وقتی شاعر می‌خواهد مانند آن را بگوید، می‌بیند به سانی نمی‌تواند این کار را بکند. شیوه شاعری استاد یوسفی این گونه بود اگر شعرهایش را تجمیع و چاپ می‌کرد یکی از بهترین دیوان‌ها می‌شد.

مقالات مرحوم دکتر یوسفی غالباً ادبی و کمتر اجتماعی است و سیاسی هم نیست. هر کدام از این مقالات به سهم خود گوشه یا گوشه‌هایی از مسائلی ادبی روزگار خود ایشان را که در آن دوره مطرح بوده، نکته‌سنجی و مشکل‌گشایی کرده است و همین الان هم اگر مقالات ایشان چاپ شود و اختیار اهل ادب و دانشجویان ادبیات فارسی و علاقه‌مندان زبان فارسی‌باشد، تاریکی و طراوت خودش را بعد از گذشت چند دهه دارد. همان زیبایی، طراوت، سادگی و در عین حال تصاویر خیال و هنر زبان که در صورت‌های خلافت‌الان آثار نویسنده یا شاعر هست، در مقالات دکتر یوسفی نیز دیده می‌شود. در عین حال که تشرش در مقالات علمی، نقد دانشگاهی و علمی است، خصیمه‌های زیبایی زبان هنر را به اندازه‌ای که افراط و تفریط نباشد، دارد است. انجایی که لازم است برای استناد کلام خودش بیتی از شاعری بیاورد، بر زیبایی اثرش می‌افزاید. دهه ۴۰ تا ۶۰ مقالات دکتر یوسفی در تمام مجلات ادبی تراز اول کشور می‌آمد و مثل کافور زر، تمام مدیران مسئول و سردبیران مجلات، مقالاتش را می‌بردند و چشم می‌کشیدند برای مقاله‌های



یوسفی؛ ادیبی که همه آثارش خواندنی است

هنری محسوب نشود، از هر کس و هر شبک که باشد، برگزیند و منصفانه با نوعی ارزیابی و نقد عملی همراه کند، استاد یکسوگرایی‌های برخی منتقدان ادبی را در بر خود با آثار قدیم و جدید نمی‌پسندد. استاد یوسفی در زندگی کوتاه و پرپار خود مقالات و کتاب‌های زیادی نوشت، برخی از آن عبارت‌اند از: فرتی سیستانی بختی در شرح احوال و روزگار و شعر او (۱۳۴۱)، کافور زر؛ یادداشت‌هایی در ادب و تاریخ (۱۳۴۲)، یوسلم سردار خراسان (۱۳۴۵)، نامه اهل خراسان (۱۳۴۶)، روان‌های روشن (۱۳۸۶)، برگ‌هایی در آغوش باد، مجموعه‌ای از مقاله‌ها، پژوهش‌ها، نقدها و یادداشت‌ها (۱۳۵۶).

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

«هدشت یورخاقلی...و محصول

استاد یوسفی در ۲ اثر ارزنده و برجسته خود، یعنی ششمه روشن (دیداری با شاعران) و دیداری با اهل قلم (درباره بیست کتاب نثر فارسی) عالمانه و منتقدانه درک صریح خود را از هنر شاعری و هنر نویسندگی نشان داده است. نثر ساده و روان و شیوا و استانده و محکم و استوار و سخنه استاد یوسفی همه آثارش را خواندنی کرده است. او روح ادبی را در همه آثارش حفظ کرده و توگویی در تمام آثارش آشکار است و به جرت می‌توان گفت تالیفی از ست و مدیریت را در آثار وی می‌توان دید. روشش شاد.

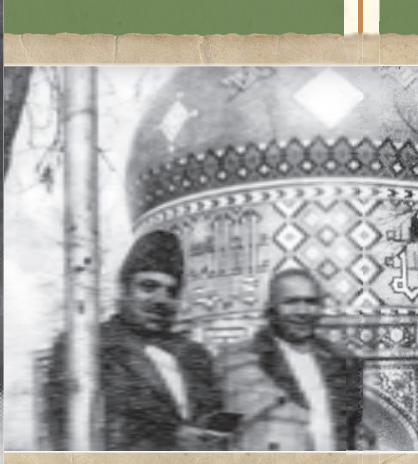
✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد



باقریان | من از سال ۹۳ تا سال ۹۴ تقریباً دو سالی کتابدار کتابخانه دکتر یوسفی و مشغول رفوق‌ق امور مربوط به آن بودم. یکی از اموری که دکتر یاحقی به من سپرده بود اسکن برخی مدارک و اسناد موجود در کتابخانه بود که اهمیتی بسزا داشتند. اما مهم‌ترین آن اسناد تقدیم‌نامه‌هایی مندرج در آثار تعدادی از کتاب‌های دکتر یوسفی بود. آن تقدیم‌نامه‌ها غالباً به‌خط مولفان یا مصححان یا مترجمان آن کتاب‌ها بود که اثر خویش را به محضر دکتر پیشکش کرده بودند. درازن، دست‌خط افراد سرشناس بسیاری را می‌شد دید که از آن‌جمله‌اند سیدجلال‌الدین افشاری، درویش آشوری، شمس آل‌احمد، پرویز آتایی، مهدی اخوان‌تالت، محمدعلی اسلامی ندوشن، ابیرج افشار، احمد اقتداری، سیدکریم امیر فیروزکوش، شیرین بیانی، تقی پیش، فریدون توالی، پد... جلال‌پندری، محمدرضا جلالی نائینی، عزیزا... جیونی، اسماعیل



دکتر یوسفی در جمع همکاران و دانشجویان



در کنار علی باقرزاده

دکتر ویرگی دکتر یوسفی در سکوت استادی، نظم بسیار زیادشان بود و من به نظم ایشان عطفه می‌خورم. نشد در چند سالی که خدمتشان بودیم، اگر ساعت ۸ یا ایشان کلاسی داشتیم، ساعت ۸:۱۰ یا ۷:۵۵ سر کلاسی بیایند. سر ساعت ۸ سر کلاسی بودند. در پاسخ دادن به سؤالات دانشجویان هم همین‌طور منظم بودند. نه زیاد گویی داشتند نه کم‌گویی.

✽از راست: احمدعلی رجایی بخارایی، ایراعظیم صهیبه‌غلامحسین یوسفی



پس از من هم دوستان دیگری این کار را ادامه دادند تا اینکه به سرانجام رسید. حال، محض نوه‌ها، متن چندانی از آن تقدیم‌نامه‌ها را اینجا می‌آورم. از صفاتی که نویسندگان آن‌ها دربار دکتر یوسفی به‌کار بسته‌اند به‌خوبی می‌توان به جایگاه رفیع او پی برد:

۱- «فته‌مصدوره»: به محضر دوست دانشمند مفضل، استاد دکتر غلامحسین یوسفی، پیشکش شد، بدین امید که به‌لطف قبول پذیرفته آید. ارادتمند صمیم. ا. ج. بزرگدزدی. ۱۶ شهریورماه ۱۳۴۵.

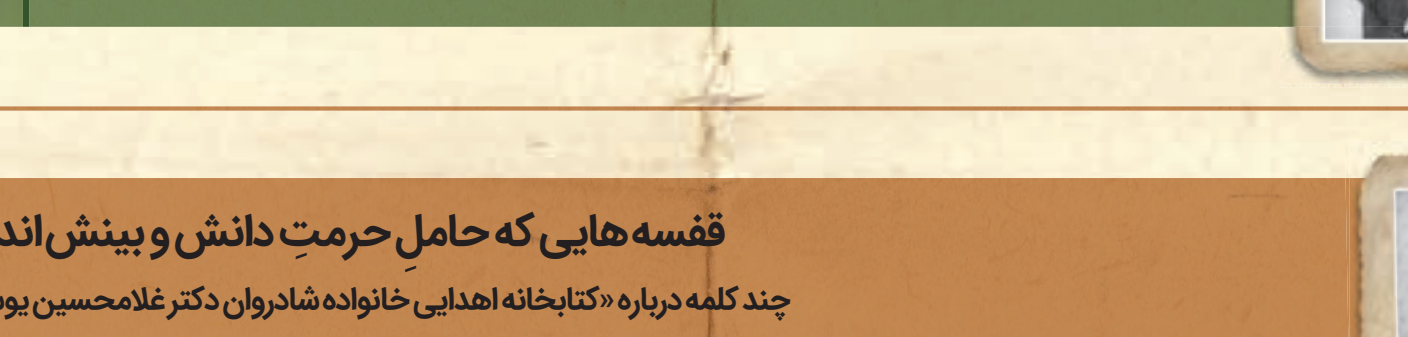
۲- «از این اوستا»: به من روز که من می‌ای با طوس یعقوب/ اشم رانحه یوسفی و کیف شمیم ... سایه دست‌ی بهادارگار از برای دوست فاضل ارجمند، جناب دکتر غلامحسین یوسفی طوسی، مهدی اخوان‌تالت (م. امید). ۶۷/۲/۸.

۳- «احیاء علوم الدین»: تقدیم به استاد دانا و دردآشنا، دکتر غلامحسین یوسفی، که گذارو

چشمه روشن ادبیات

پرونده‌ای به مناسبت سالروز درگذشت دکتر غلامحسین یوسفی

شادروان دکتر غلامحسین یوسفی (۲ بهمن ۱۳۰۶ – ۱۴ آذر ۱۳۶۹) اگرچه از مفخر مشهد به ششمار می‌آید، نامی نامندگار در میان نام‌آوران فرهنگ ایران است. کتابخوانان و ادب‌دوستان شاید او را با تصحیح مشهورش از آثار شیخ سعدی و آثاری از این دست بشناسند، اما کم‌نیست باقیات صالحات به جامانده از این ادیب پرمایه که خدماتش به زبان و ادب فارسی عرصه‌های گوناگونی، از تدریس تا نویسندگی و تصحیح و ترجمه، را در نور دیده؛ شاکردانی که امروز هر یک جایگاهی بلند دارند و آثار قلمی‌ای که چنان متونی برجسته مورد توجه اهل فضل اند و کتابخانه شخصی غنی‌ای که به دانشگاه فردوسی مشهد اهدا شد. این پرونده ادای دینی در حد بضاعت است به او و به مناسبت سالروز درگذشتش.

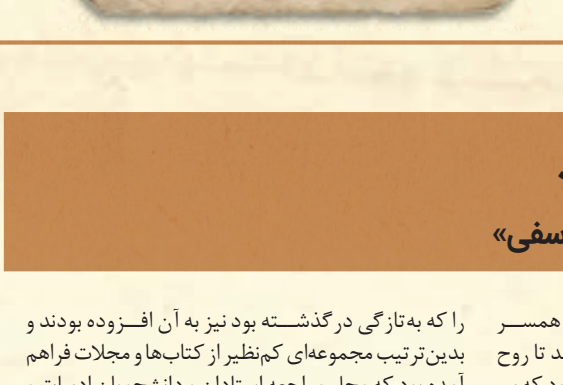


✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

اواخر شهر یورماه ۱۳۸۷، وقتی که من اولین بار در مقام دانشجوی زبان و ادبیات فارسی به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه «فردوسی» قدم گذاشتم، نخستین چیزی که توجه مرا به خودش جلب کرد «کتابخانه‌اهدایی خانواده شادروان دکتر غلامحسین یوسفی» بود که در طبقه دوم دانشکده، نزدیک درگاه زبان و ادبیات فارسی و کلاسی ویژه دانشجویان آن، قرار داشت. دکتر یوسفی را خوب می‌شناختم، خاصه بدین‌دلیل که خانه پدری‌ام هشت سالی در یکی از خیابان‌های «قاسم‌آباد» بود که به نام این استاد ادبیات است. تالار بزرگ آن کتابخانه که اتاقی کوچک برای استقرار کتابدار و تجهیزات لازم هم داشت مشتمل بود بر چند هزار جلد کتاب و میزی بزرگ که ۲۰-۳۰ صندلی بر گرد آن قرار داشتند. اما آنچه نظر مرا به آن مکان جلب کرد نشست‌هایی بود که در آن برگزار می‌شد و بیشتر به متن خوانی اختصاصی داشت. در آن نشست‌ها، هر روز هفته یکی دو تن از استادان ادبیات به خواندن متونی نظیر «شاهنامه» و «تاریخ بیهقی» می‌پرداختند و هر کسی هم می‌توانست حضور یابد. من هم، بلافاصله پس از حضورم در دانشگاه، با شوق و ذوق بسیار در آن نشست‌ها شرکت کردم و به‌تدریج یکی از علم‌انسانی دانشگاه فردوسی که گذشت، کتاب‌ها و مجلات نفیس کتابخانه که برخی‌شان را جزر در اسباب سبختی می‌شد یافت نیز مشغولم داشتند. اصل و اسباب یعنی قفسه‌های مرغوبی که بوی هسمر می‌داد و حامل هسمر او پس از درگذشت شوهرش آن‌ها را به دانشکده ادبیات اهدا کرده بود، شرح ماحسرا را دکتر محمدجعفر یاحقی در «ارح‌نامه غلامحسین یوسفی» آورده است: «یوسفی مردانه همه دار و ندارش را در زندگی به هسمر و فرزندش بخشیده و به او اختیار داده بود تا هر چهر به دلش می‌گذاشت آن‌ها را اقام کند. مهم‌ترین دارایی‌اش می‌شد و بیشتر به متن خوانی اختصاصی داشت. در آن



در کنار مجتبی مینوی



می‌دانستند که تا کجا به آن دل‌بسته بود. هسمر نیکو نهادش می‌دانست که با این کتابخانه چه کند تا روح شوهر پاک‌نهادش به آرامشی ابدی برسد؛ این بود که می‌دید دیگر شش‌ها بود. البته کتاب‌های دکتر یوسفی را با بررسی سبز و کتاب‌های گلچین مانی را با بررسی رزد که بر عطفشان چسبانده بودند از یکدیگر متمایز کرده بودند. خلاصه، آن کتابخانه فضای دنج دلپذیری بود که هسمر یوسفی کتابخانه وی را با همه امکانات و وسایل، را در آنجا می‌گزیدند، تا اینکه از پیشامد روزگار، تقریباً چهار سال بعد که من تازه در مقطع کارشناسی‌اش رشتد، پذیرفته شده بودم، یک سال پس از آنکه ازدواج کرده بودم و سخت دنیال کار می‌گشتم، درست در روز تولد ۲۲سالگی‌ام، دکتر یاحقی که مسئولیت کتابخانه را بر عهده داشت، پس از اساطت برخی دوستان، مرا به کتابخانه احمد گلچین معانی، پژوهشگر برجسته تاریخ ادبیات و به‌قول دکتر یوسفی «سخن‌افرینی معانی‌تراش»،

در کارش یوسنه پرلیم بسودش بود. تهران. ۱۳۴۲/۵/۱۴. ۴- «شکوفه»: به گرانمایه دوست سخنور و سخن‌سنج و برادر دانشمند و هنرمندم، دکتر غلامحسین یوسفی، به‌رسم یادگار تقدیم گردید. فریدون توالی. شیراز. ۱۳۴۶. ۵- «شاختی تازه از سده‌ی»: حضرت استاد غلامحسین یوسفی به‌کرامت خویش و عزت هنر سزای قبول فرمایند. با سپاس از عنايت ارجمند آن استاد محترم در تصحیح کلیات سخن‌افزین شیرازی. فروردین ۶۶. مهد شیرازی. ۱۳۴۵. ۶- «از این اوستا»: به من روز که من می‌ای با طوس یعقوب/ اشم رانحه یوسفی و کیف شمیم ... سایه دست‌ی بهادارگار از برای دوست فاضل ارجمند، جناب دکتر غلامحسین یوسفی طوسی، مهدی اخوان‌تالت (م. امید). ۶۷/۲/۸. ۷- «پشتو از نی»: تقدیم به استاد ارجمند و بزرگوار، حضرت دکتر یوسفی، با امید به سلامت



✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

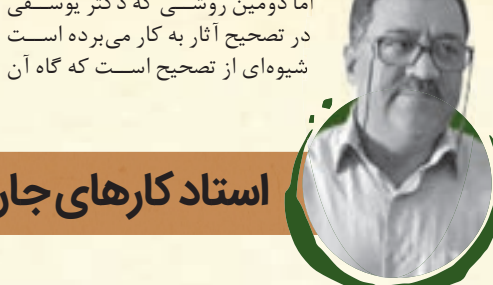
✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

داوود یورمغفری* | در کارنامه علمی مرحوم دکتر یوسفی، ۸ اثر به عنوان آثار تصحیح‌شده قابل احصاست. از میان این ۸ مورد، ۷ مورد کاملاً به نظارت و به قلم ایشان از ابتدا تا انتها به انجام رسیده است. آن اثر دیگر که من چندان به آن نخواهم پرداخت مجموعه غزلیات سعدی است. چنان که می‌دانیم، دکتر یوسفی قصد داشت کلیات سعدی را چاپ انتقادی کند و این کار را تا حد زیادی با بوستان و گلستان انجام داده بود، اما کار روی غزلیات سعدی مصادف شد با دوران بیماری ایشان و متأسفانه ایشان زمانی که درگذشت این مورد به پایان نرسیده بود. به همین دلیل کار ناتمام ایشان را ۲ تن دیگر ادامه دادند و فکر می‌کنم هنگامی که می‌خواهم درباره تصحیحات دکتر یوسفی قضاوت کنیم، می‌توانیم مورد غزل‌های سعدی را که کاری ناتمام بوده و دیگران آن را به پایان رسانده‌اند و حداقل سلیقه‌ها و توانایی علمی ۲ نفر در آن لحاظ شده است کنار بگذاریم و درباره آثار دیگر ایشان صحبت کنیم.

از میان ۱۷ اثری که درباره‌شان صحبت خواهم کرد، ۲ اثر به عنوان آثار تصحیح انتقادی اخذ شده است. یکی تصحیح قیاسی با تصحیحاتی است که بر اساس نسخه منحصربه‌فرد صورت می‌گیرد. مرحوم دکتر یوسفی برای نخستین بار کتاب «التصیفة فی احوال المتصوفة» را که در زمینه میراث تصوف است، با تکیه بر یک نسخه خطی که از این کتاب وجود داشته تصحیح کرده است. در تصحیح قیاسی، مصحح راهی جز اتکا به نسخه‌ای که در اختیار دارد و ابتهاج خودش ندارد. نسخه‌های دیگر در دسترس نیست. از این جهت، چنین تصحیحاتی دشوار هستند. کاری که دکتر یوسفی با چنین تصحیحاتی انجام می‌دهد این است که هنگام برخورد با ابهام، اشکال یا موضوعی که برای او در متن جای تأمل دارد، سعی می‌کند آن ابهام یا اشکال را به کمک بخش‌های دیگر همان متن بشناسد و بر طرف کند و گاه به مجموعه دیگر آثار آن نویسنده متوسل می‌شود و به آن‌ها مراجعه می‌کند. کار دیگری که با شیوه قیاسی انجام شده تصحیح «ملخص‌الغات» است که با همکاری مرحوم دکتر محمد دبیرسیاقی به انجام رسیده است. در این اثر که نوعاً واژه‌نامه است، کوشش کرده‌اند برای هر طرف کردن اشکالاتی که در نسخه خطی با آن روبرو می‌شدند به فرهنگ‌های مختلف مراجعه کنند و در جایی که واژگان آن متن از سبک یا زانر یا گفتار خاصی جدا شده است، به امهات متون آن سبک یا زانر مراجعه کنند. مثلاً برای دریافت صورت یک ضبط صحیح برخی از لغات، به تفاسیر قرآن، برخی از متون علمی و فرهنگ‌های فارسی و عربی مراجعه کرده‌اند. در واقع می‌خواهم این تعبیر را به کار ببرم که دکتر یوسفی هنگامی که به تصحیح قیاسی دست می‌زده، آن‌ها فقط یک نسخه در اختیار داشته، ابتدا سعی می‌کرده است به بخش‌های مختلف همان متن و بعد به مجموعه آثار همان نویسنده مراجعه کند تا ضبط صحیح و اطمینان‌بخشی را به دست بیاورد. او تا جایی که متون هم‌تراز وجود داشته و می‌توانسته از آن‌ها استفاده کند، به آن‌ها مراجعه می‌کرده است.

اما دومین روشی که دکتر یوسفی در تصحیح آثار به کار می‌برد است شیوه‌ای از تصحیح است که گاه آن



جواد مرتضایی* | استاد یوسفی در باب دقت در انجام کارهای علمی‌شان مثل هستند. ایشان در حوزه‌های مختلف کارهای علمی متفاوتی انجام داده‌اند، به‌خصوص دربارۀ سعدی، ۱۳ اثر و کار بزرگ را به انجام رسانده‌اند، یعنی تصحیح گلستان، بوستان و غزل‌های سعدی. به سراج سعدی با آن شخصیت ادبی بزرگ و سترگ و با آن فصاحت و بلاغت و نظیرش رفتن و از سعدی نوشتن و آثار سعدی را تصحیح کردن کار هر کسی نیست و بسیار دشوار است. کسانی که تصحیح بوستان و گلستان ایشان را دیده و با تصحیح‌های دیگر مقایسه کرده‌اند، متقول‌القول هستند که بسیار بسیار کار منق و ویراسته و ویراسته‌ای است؛ یعنی می‌شود گفت هیچ نکته‌ای را ناگفته نگذاشته‌اند؛ ایشان همچنین مقدمه بسیار مبسوط و عالمانه‌ای درباره گلستان و بوستان سعدی دارند و مقاله‌های زیادی در باب این شاعر بزرگ نوشته‌اند.

گلستان و بوستان تصحیح مرحوم استاد یوسفی واقعا مثل و نمونه دقت علمی است؛ یعنی در قضا و امانت‌ها و رعایت دقت علمی در تصحیح، ما را به سادۀ علامه محمد فروغی به استناد؛ البته پیش از ایشان کسانی مانند مرحوم محمد خورانی و مرحوم محمدعلی فروغی هم گلستان و بوستان را تصحیح کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد تصحیح مرحوم یوسفی در بین تصحیحات‌ای موجود بی نظیر است و هیچ‌یک با آن قابل مقایسه نیست. البته شاید در تصحیح ایشان از غزلیات سعدی مقداری شباهت‌زدگی دیده شود و



✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

صاحبِ تصحیحاتِ تمام‌عیار

را شیوه بنیابین خوانده‌اند. ششوه بنیابین آمیخته‌ای از ۲ روش تصحیح بر پایه نسخه اساس و تصحیح التفاضلی است و دکتر یوسفی از آن در تصحیح «قاپوس‌نامه»، «ترجمه تقویم الصحه»، «لطائف‌الحکمه» و همچنین «بوستان» و «گلستان» سده‌ی استفاده کرده است. در این شیوه معمولاً نسخه‌هایی وجود دارند که قابل اعتماد هستند و یکی بر دیگری بر تری صددرصدی ندارد. بنابراین از نسخه‌های مختلف استفاده می‌شود. ابتهاج و دقت علمی او در اینجا بسیار اهمیت پیدا می‌کند. درباره اهمیت این روش باید نکته‌ای را بیان کرد و تفاوت روش مرحوم علامه فروغی و دکتر یوسفی را گوشزد کنم. دکتر زرین کوب می‌گوید که علامه فروغی آن قدر در تصحیح و مقایسه متون و سواوس عیبی داشت که حتی برای کوچک‌ترین چیزی که می‌خواست در حاشیه‌ها یا متن بنویسد به حافظه‌اش اعتماد نمی‌کرد و دبابل قدیمی‌ترین یا معتبرترین سند مکتوب می‌گشت تا از روی آن بنویسد. این را در نظر بگیرید در مقابل روشی تصحیح که مصحح دید انتقادی و ابتهاج خودش را می‌خواهد؛ در کار دخیل کند؛ یعنی لزوماً برای او قدیمی‌ترین نسخه ملاک اصلی تحقیق قرار نمی‌گیرد و پژوهش در کنار نسخه اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند. در تصحیح بنیابین خطر بسیار وجود دارد. اگر مصحح به اندازه کافی آهسته‌انق و دقیق نباشد و دست به پژوهش‌های دقیق نزند، ممکن است کار او در نظر اهل فن هیچ اعتبار و ارزشی پیدا کند، اما به شرط دخالت دادن ابتهاج علمی و دقت بسیار و بریند از اتکالی بی‌حد و حصر به قدیمی‌ترین نسخه می‌توان پژوهش بسیار ارزشمندی انجام داد و موفقیت دکتر یوسفی در تصحیح «قاپوس‌نامه»، «بوستان» و «گلستان» نشان می‌دهد او در این شیوه بسیار دقت و توفیق بسیاری به دست آورده است، به طوری که این چاپ‌ها هنوز هم بهترین چاپ‌های کتاب‌های منظر هستند. البته ممکن است ایرادهایی به آن‌ها وارد باشد، اما کسی تا کنون درباره اینکه واقعا نیاز باشد تصحیح جدیدی از این آثار ضرورت بگیرد چیزی نگفته و تلاشی نکرده است.

دکتر یوسفی علاوه بر نسخه‌های فارسی موجود از متنی که می‌خواسته است تصحیح کند، از تمام ترجمه‌هایی که برای او قابل‌استفاده بوده در زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی و حتی المانی استفاده کرده‌است. در واقع او از مجموعه آنچه سعدی پژوهان درباره بوستان یا گلستان گفته‌اند استفاده کرده و تصحیح درخشان خودش را از این ۲ کتاب به دست داده است. او ۲ دسته متن را تصحیح کرده است: متن‌هایی که برای نخستین بار تصحیح کرده بودند «لطائف‌الحکمه»، «صوفی‌نامه»، «ملخص‌الغات» و «ترجمه تقویم‌الصحه»، و متونی که پیش‌تر چاپ‌هایی از آن وجود بوده است، مثل «قاپوس‌نامه»، «بوستان» و «گلستان». روش علمی و دقت دکتر یوسفی و رعایت موازین تصحیح انتقادی موجب شده است محققان بعدی دیگر نیازی به تصحیح دوباره این متون احساس نکنند، گرچه اشکال‌هایی در این چاپ‌ها وجود داشته است و محققان ارجمند با نوشتن مقالات علمی آن‌ها را نشان داده‌اند.

✽عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

استاد کارهای جان‌فرسا

این در ذکر و ثبت نسخه‌بدل‌ها و ترجیح ضبط دیده می‌شود که به اعتقاد من از این نظر، ارزش علمی کار مقداری پایین‌تر از ارزش تصحیح ایشان از بوستان و گلستان است. احتمالاً علت این امر مصادف شدن انجام کار با دوران بیماری استاد باشد. فراهم آوردن نسخ خطی معتبر از نقاط مختلف جهان در آن زمان کار بسیار دشواری بود و دقت در تصحیح، تصحیحات ایشان از آثار سعدی را از دیگر نمونه‌ها متمایز می‌کنند. حتی مصححان بزرگ ما گاهی از ذکر و ضبط برخی نسخه‌بدل‌ها غافل مانده‌اند. دقت و وسواس او باعث شد کار جان‌فرسایی که انجام می‌دهد سال‌ها طول بکشد؛ اما در نهایت به‌خوبی از عهده آن برآمد. تعلیق‌انسان هم شگفت‌انگیز است چون هم زبان فرانسی و هم مقداری زبان انگلیسی می‌دانستند و از منابع و مآخذی که به زبان فرانسه یا انگلیسی نوشته شده بود نیز غافل نبوده‌اند. و دیگر پیراستگی کار تصحیحات ایشان تقریباً کتاب‌هایی بدون غلط است. در کار تصحیح بوستان و گلستان، اینکه شما به‌ندرت غلط چاپی بیابید جای نیتنی، نشان دهنده دقت مصحح است. استاد یوسفی پیش از فرستادن کتاب به انتشار، دقت بسیار بالی را آن‌گاه می‌کرده و می‌خوانده است. این همه تلاش حاصلش به یادگار ماندن تصحیحاتی منقح از بوستان و گلستان سعدی برای ماست.

✽دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد



✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

✽استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد